

بررسی ابعاد هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی قوه واهمه از منظر ابن‌سینا و ملاصدرا

حسین پژوهنده نجف‌آبادی^۱، یارعلی کرد فیروزجایی^۲، عسکری سلیمانی امیری^۳

چکیده

قوه واهمه می‌تواند از دو حیث هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مورد تحلیل عقلی قرار گیرد. در بررسی به‌عمل‌آمده به‌دست می‌آید که در نظام فلسفی حکمت صدرایی و سینوی، هیچ‌گاه حقیقت قوه واهمه به‌عنوان یکی از مبادی ثانویه افعال و ادراکات نفسانی انکار نشده است، بلکه این قوه در هریک از این دو نظام فلسفی جایگاه و هویت خاص و متفاوتی یافته است. برخی اصول و مبانی فلسفی حکمت متعالیه بر ابعاد مختلف هستی‌شناختی قوه واهمه تأثیر گذاشته و موجب اختلاف‌نظر در هویت و رابطه وجودی آن با نفس، موهوم، عقل و دیگر قوای ادراکی گشته است. این دو حکیم در ابعاد معرفت‌شناختی این قوه اشتراکات فراوانی داشته، صرفاً در ماهیت و هویت وجودی موهوم و ادراک وهمی با یکدیگر اختلاف‌نظر دارند.

واژگان کلیدی: قوای نفس، قوه واهمه، ادراک وهمی، حیث معرفت‌شناسی، حیث هستی‌شناسی، ابن‌سینا، ملاصدرا.

۱. طلبه سطح سه حوزه علمیه قم و دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه

1583834mhr@gmail.com

باقرالعلوم 7

firouzjaei@bou.ac.ir

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم 7

solymaniaskari@mihanmail.ir

۳. دانشیار و عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1

کاربرد و توجیه «نظریه ادراکات اعتباری» در تفسیر المیزان: یک تحلیل مقایسه‌ای

احمد رضا یزدانی مقدم^۱

چکیده

هدف این مقاله، پژوهش درباره جایگاه نظریه ادراکات اعتباری در تفسیر المیزان است. این مقاله بررسی می‌کند که علامه چگونه از نظریه ادراکات اعتباری در المیزان بهره برده و چگونه در این تفسیر، از آیات قرآن کریم برای توجیه و تحلیل این نظریه استفاده شده است. روش‌های بکاررفته در این پژوهش عبارت‌اند از: روش‌های استقرایی، تحلیلی و مقایسه‌ای. مدعای مقاله این است که نظریه ادراکات اعتباری، بنیان نظری روش تفسیری علامه طباطبایی در المیزان است. همچنین از این نظریه برای تفسیر آیات قرآن کریم و از آیات الهی برای تبیین و توجیه این نظریه استفاده شده است. علامه در المیزان به بخش دوم این نظریه درباره انقسامات اعتباریات به تفصیل پرداخته است. از این مقاله به دست می‌آید که: لازم است تفسیر المیزان از منظر نظریه ادراکات اعتباری به مثابه بنیان نظری علامه طباطبایی مورد پژوهش‌های مستقلی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: علامه طباطبایی، نظریه ادراکات اعتباری، اعتباریات، تفسیر المیزان، روش تفسیری.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی yazdanimoghaddam@yahoo.com

نحوه استناد: یزدانی مقدم، احمد رضا (۱۳۹۶). «کاربرد و توجیه «نظریه ادراکات اعتباری» در تفسیر المیزان: یک تحلیل مقایسه‌ای». فصلنامه حکمت اسلامی، ۴(۱)، ص ۳۱-۵۰.

ابتنای مدینه فاضله فارابی بر اصالت «انسان متصل به وحی»

قاسم مقدم^۱، محمدرضا محمدی ایشیانی^۲

چکیده

فارابی یکی از تأثیرگذارترین فیلسوفان اسلامی است که همت خود را نه تنها در طرح‌ریزی یک مابعد الطبیعه منسجم صرف کرده، بلکه آن را مقدمه‌ای برای ساخت جامعه‌ای الهی و عقلانی بر پایه انسان متصل به خدا (انسان حقیقی و بالذات) قرار داده است. انسان در مدینه فاضله فارابی اصل است و تمام ساختارهای مدینه بر پایه معرفت عقلانی - وحیانی به ساخت‌های وجودی او شکل گرفته است. این اصالت انسان در اندیشه فارابی به هیچ‌وجه به معنای اصالت انسان مستقل از مبدأ نیست تا او را به مثابه موجودی منقطع از مبادی خود فرض کند (انسان مجازی و بالعرض) و جامعه را نیز بر همین اساس بنا سازد. اصل بودن انسان در اندیشه این فیلسوف بر فصل ناطقیت انسان تأکید دارد. از این‌رو، مدینه فاضله وی، هم در بعد اخلاق، قانون، فرهنگ، معرفت و هنر، و هم در تعریف مفاهیم کمال و سعادت، کاملاً بر اساس دو الگوی عقل و وحی شکل گرفته است تا انسان را از گذر زندگی روزمره در مدینه به سعادت موردنظر فیلسوف و نبی سوق دهد.

واژگان کلیدی: فارابی، جامعه الهی - عقلانی، انسان بالذات و بالعرض، جامعه بالذات و بالعرض، مدینه فاضله، سعادت

moqadam@ut.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه باقرالعلوم

mr.mohammadi67@yahoo.com

۲. فوق لیسانس فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم

نحوه استناد: مقدم، قاسم؛ محمدی ایشیانی، محمدرضا (۱۳۹۶). «ابتنای مدینه فاضله فارابی بر اصالت "انسان متصل به وحی"». فصلنامه حکمت اسلامی، ۴ (۱)، ص ۵۱-۷۰.

تأثیرپذیری مکتب اشراق از مکتب مشاء در روش‌شناسی

سیدعماد مصطفوی^۱

چکیده

در عصر شیخ اشراق، حکمت تحولی بس عظیم و گسترده از جنبه روش‌شناسی به خود دیده است. در این میان، سهروردی با اعمال شیوه‌ای نوین، در گشودن افق‌های تازه بر روی حکمت اسلامی در جهت فراچنگ آوردن حقایق، نقشی بسیار مهم و بی‌بدیل ایفا کرده است. رویکرد سهروردی هر چند متأثر از نحله‌های مختلفی رقم خورده است، نباید آثار و دیدگاه‌های مشائیان را در بسترسازی این تحول شگرف اندک انگاشت.

تحقیق حاضر با محوریت روش‌شناسی و با رویکردی فلسفی به بررسی آرای فیلسوفان مشاء و اشراق پرداخته، با نام‌گذاری و دسته‌بندی اقسام اثرپذیری اشراق از مشاء، از جمله اثرپذیری ایجابی در نظر، اثرپذیری سلبی در نظر، به کاوشی درخور این موضوع موفق گردیده است. از این رو، این نوشتار به چگونگی تلفیق عقل و شهود در سیره حکمای برجسته مشائی از جمله کندی، فارابی و بوعلی پرداخته، خط مشی آنان را در اثرگذاری بر شیخ اشراق در جهت خروج از فلسفه تک‌روشی تا نیل به مکتبی استدلالی - اشراقی ترسیم کرده است. همچنین معتقد است بن‌مایه‌هایی که بسترساز حرکت شیخ اشراق در جهت تحول فلسفه در بعد روش‌شناسی از آن بهره‌مند گردیده، استعداد نهفته مکتب مشائی آن را رقم زده است. از این رو، فلسفه اشراق نه در عرض مکتب مشاء و بریده از آن، و نه دستخوش تغییرات جزئی و ظاهری الفاظ و اصطلاحات مکتب مشائی از سوی شیخ اشراق به ثمر نشست، بلکه مکتب اشراقی سهروردی در امتداد مکتب مشاء و از تحول و تکامل در مکتب مشاء تأسیس شده است و در حقیقت باید تکامل یافته آن مکتب به‌شمار آید.

واژگان کلیدی: روش‌شناسی، تأثیرپذیری، شیخ اشراق، حکمت اشراق، حکمت مشاء.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. mostafaviemad@gmail.com.

بررسی اشکالات وارد شده بر نظریه آقاعلی مدرس زنوزی درباره معاد عنصری

حمید امامی فر^۱، احمد سعیدی^۲

چکیده

ملاصدرا با کمک جسم مثالی و خواص آن، گام بلندی برای تبیین خردپسند بسیاری از آموزه‌های شرع مقدس اسلام درباره معاد جسمانی برداشت. اما به اعتقاد مدرس زنوزی، بسیاری از ادله نقلی معاد را نمی‌توان تنها با جسم مثالی توجیه و تبیین عقلی کرد. به همین دلیل، ایشان برای تکمیل نظریه ملاصدرا و تبیین عقلانی همه آموزه‌های معاد، نظریه‌ای بدیع ارائه نمود. بر اساس این نظریه، بدن عنصری پس از جدا شدن از نفس جزئی خود، تحت تدبیر نفس کلی قرار می‌گیرد و به تکامل جوهری و استكمال ذاتی خویش ادامه می‌دهد تا اینکه به تدریج به بدنی تبدیل می‌شود که صلاحیت صعود به سوی نفس جزئی و اتحاد مجدد با آن را می‌یابد. این دیدگاه، مخالفت‌ها و موافقت‌هایی را از سوی فیلسوفان بعدی، به ویژه پیروان حکمت متعالیه به دنبال داشت. در این مقاله، کوشیده‌ایم با پاسخ دادن به اشکال‌های وارد شده بر دیدگاه زنوزی، تفسیر صحیحی از آن ارائه کنیم.

واژگان کلیدی: مدرس زنوزی، ملاصدرا، معاد جسمانی، نفس، بدن.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1 hamidemami95@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1 ahmadsaeidi@yahoo.com

میزان تاثیر مکتب عرفانی ابن عربی بر اندیشه فلسفی صدرالمتألهین در مباحث اسما و صفات حق تعالی

علی اعلائی بنایی^۱

چکیده

در این مقاله اثبات شده است که صدرالمتألهین در موارد فراوانی از مباحث اسما و صفات الهی از مکتب عرفانی ابن عربی الهام گرفته و گاهی نیز عین عبارت آنها را بی هیچ یادی از منبع آن آورده؛ گویی خود، عبارت پرداز آن بوده است. او با الهام از گفتار عرفا باور دارد که ذات حق تعالی ذات بی تعین، و اسمای الهی، تعینات آن ذات در مراتب ظهور، و انسان نیز خلیفه الله و مظهر اسم جامع «الله» است. وی همچنین نظریه عرفانی اعیان ثابته و تقسیم عرفانی اسمای الهی را از نظر احاطه و عدم احاطه می پذیرد. به باور او از میان اقوال هشت گانه در مسئله علم پیشین حق تعالی به اشیا نیز تنها قول عرفا قابل پذیرش است. وی در مسئله کلام الهی از ابن عربی الهام گرفته است، ولی در دیگر مباحث اسما و صفات الهی، بیش از همه از محقق قیصری تأثیر پذیرفته است.

واژگان کلیدی: اسما و صفات الهی، عرفان نظری، حکمت متعالیه، تجلی، اعیان ثابته، ابن عربی، صدرالمتألهین.

۱. سطح چهار حوزه، مدرس علوم عقلی حوزه علمیه قم و عضو گروه فلسفه، عرفان و کلام مجمع عالی حکمت اسلامی
aalaey@yahoo.com

وجود و ماهیت در فلسفه اشراق

حسن معلمی^۱

چکیده

درباره هر چیزی دست کم دو پرسش مطرح است: (۱) آیا وجود دارد؟ (۲) چیست؟ یعنی دو حیثیت در خصوص اشیا مطرح است: چیستی و هستی. حال پرسش مهم این است که: تحقق عینی اشیا به هستی آنهاست یا به چیستی؟ کدامیک اصل در تحقق عینی است و دیگری صفت یا حال و یا چگونگی آن است؟ گرچه درباره نظریه شیخ اشراق احتمال‌هایی داده شده است، با توجه به عبارات ایشان، اصالت را در همه موجودات حتی خداوند به ماهیات می‌دهد و وجود در موجودات را امری اعتباری و ذهنی محض می‌داند. هدف پژوهش حاضر که با روش عقلی تحلیلی نگاشته شده، رسیدن به نقاط اشتراک فلسفه اشراق و فلسفه مشاء و حکمت متعالیه است که نتیجه آن، ارائه سست بودن پایه‌های فلسفه اشراق برای ایجاد نظام محکم فلسفی است.

واژگان کلیدی: وجود، ماهیت، اصالت، اعتباریت، فلسفه اشراق.